



گذشته از برنامه درسی که مهم‌ترین رکن تربیت در نظام آموزش رسمی است، کتاب درسی نیز، به‌عنوان عنصر اصلی برنامه‌های آموزش و پرورش، همواره مورد توجه برنامه‌ریزان، مؤلفان، مربیان و نظریه‌پردازان آموزش قرار دارد.

این توجه ناشی از این حقیقت است که هر اندازه اهداف نظام آموزش و پرورش و همچنین برنامه درسی مطلوب، دقیق و مشخص باشد اگر در ابزار مناسبی مانند کتاب درسی منعکس نشود، نتیجه قابل قبولی نخواهد داشت. از این‌روست که آموزش و پرورش مهم‌ترین پایگاه تربیت و کتاب درسی مؤثرترین منابعی هستند که در شکل‌گیری شخصیت دینی افراد نقش بسزایی ایفا می‌کنند.

نگارنده امیدوار است با استناد به اسناد تحوّل‌ی که مبنای برنامه‌ای جامع و راهبردی برای ساماندهی بهینه برنامه‌های درسی و تولید محتوای آموزشی در دوره‌های مختلف یادگیری است، از طریق این نوشتار نوع نگاه به معلم، مواد آموزشی، مدرسه، کلاس درس و دانش‌آموز در تمامی حوزه‌ها به‌ویژه حوزه تهیه و تألیف کتاب‌های درسی تغییر یابد و با تدارک فرصت‌های تربیتی متنوع و جامع برای دانش‌آموز، شایستگی‌های لازم را در جهت درک و اصلاح موقعیت براساس نظام معیار اسلامی کسب نماید که پیامد آن تعالی هویت او و دست‌یابی به مراتبی از حیات طیبه خواهد بود.

جایگاه تربیت دینی در کتاب‌های درسی با توجه به اسناد تحوّل و تأکید بر دوره متوسطه

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، برنامه درسی، کتاب درسی، دوره متوسطه

تعریف تربیت دینی

برای مشخص شدن تعریف تربیت دینی ابتدا لازم است تعریف روشنی از دو جزء این ترکیب، یعنی «دین» و «تربیت» داشته باشیم و سپس به تعریف تربیت دینی و ارتباط آن با برنامه‌های درسی بپردازیم.

در دنیای امروز، با توجه به مشکلات و چالش‌های زندگی و پیشرفت چشمگیر تکنولوژی و فناوری‌های نوین به‌ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات، تربیت دینی بیش از دیگر ساحت‌های تعلیم و تربیت در نظام آموزش و پرورش اهمیت یافته است و می‌تواند بیش از پیش آرامش روحی و روانی به انسان هدیه کند؛ همچنین می‌تواند تسهیل‌کننده شکوفایی استعدادها و زمینه‌ساز گرایش به کمال باشد.

تربیت

کلمه تربیت از ریشه «رَبَوَ» به معنای زیادت، فزونی، رشد و برآمدن گرفته شده است. در فرهنگ لاروس این کلمه به معنای فتنی برای پرورش نیروهای طبیعی، عقلی، ادبی و هنری انسان ترجمه شده که معنای دیگر آن پرورش است. (فرهنگ لاروس، ۱۳۷۲). تربیت در هر مکتبی، با توجه به نگاه آن مکتب به انسان، تعریف متفاوتی دارد. برخی تربیت را پرورش دادن و به فعلیت درآوردن استعدادها بالقوه در یک شیء می‌دانند. در این دیدگاه کاربرد واژه تربیت فقط در مورد جانداران صحیح است؛ زیرا غیرجانداران را نمی‌توان به مفهوم واقعی تربیت کرد. با توجه به این تعریف معلوم می‌شود که تربیت موجود جاندار باید تابع و پیرو فطرت، طبیعت و سرشت آن موجود باشد. اگر بنا باشد جاننداری شکوفا شود باید کوشید تا استعدادهایی که در او هست بروز کند. بنابراین، تربیت در انسان به معنای پرورش دادن استعدادهای او است. این استعدادها در انسان عبارتند از استعداد عقلی (علمی و حقیقت‌جویی)، استعداد اخلاقی (وجدان اخلاقی)، استعداد دینی (حس تقدس و پرستش)، استعداد هنری یا بُعد زیبایی و استعداد خلاقیت، ابتکار و ابداع (مطهری، ۱۳۸۵). در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز تربیت ابعاد گوناگونی دارد و از آن‌ها با عنوان ساحت‌های تربیت یاد می‌شود. این ساحت‌ها به شش قسمت تقسیم شده‌اند که با عنوان؛ ساحت‌های شش‌گانه تربیت دینی و اخلاقی؛ تربیت سیاسی و اجتماعی؛ تربیت زیستی و بدنی؛ تربیت هنری و زیبانشناختی؛ تربیت اقتصادی و حرفه‌ای؛ تربیت علمی و فناوری نام‌گذاری شده‌اند و تعلیم و تربیت دانش‌آموزان براساس آن‌ها صورت خواهد گرفت. به بیان دیگر، رسالت آموزش و پرورش براساس سند تحول بنیادین تربیت دانش‌آموزان در ساحت‌های شش‌گانه فوق است تا در نهایت افرادی در تراز نظام جمهوری اسلامی بار آیند.

در سند مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی نیز تربیت عبارت است از: «فرایندی تعاملی که زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیبان به صورت یک‌پارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی و به منظور هدایت دانش‌آموزان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد آدمی است.» (مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی، ۱۳۹۰).

دین

دین در زبان فارسی به معنای کیش، آیین و راه و روش است (معین، ۱۳۷۱). اما در زبان عربی، این واژه علاوه بر معنای آیین و کیش به معنای اعتقاد به قلب و اقرار به زبان، فرمانروایی، قضا و دادرسی آمده است (فرهنگ لاروس، ۱۳۷۲).

مفهوم دین، در اصطلاح، تعاریف گوناگونی دارد و از ابعاد مختلفی مورد توجه می‌باشد. در نظر عامه مردم و حتی بسیاری از تحصیل‌کردگان، منظور از دین نوعی پرستش و نیایش و تمسک به بعضی از سلوک و رفتارهای غیردنیوی، آخرت‌گرایانه و دور از قواعد و مناسبات حاکم بر زندگی این جهان است و کارکرد اصلی آن تهذیب اخلاقی و دستورالعمل‌های طهارت‌گرایانه است. قلمرو آن محدوده مسائل فردی است و دایره عمل آن نیز در چارچوب پرستشگاه خاصی محدود است (ویسی، ۱۳۹۰).

از نظر علامه طباطبایی: دین اصول علمی، سنن و قوانین عملی و روش ویژه‌ای است که سعادت و صلاح دنیوی انسان را هماهنگ و همراه با کمال اخروی و حیات حقیقی جاودانی او تأمین می‌کند. از این‌رو لازم است شریعت در برگیرنده قوانینی باشد که به نیازهای دنیوی انسان نیز پاسخ گوید (طباطبایی، ۱۳۶۳).

در بیان قرآن، دین به معنی برنامه و نظام کامل و فراگیری است که از یک‌سو بیان‌کننده وجود فرمانروا و فریادرس مطلق است که بر اجزا و اعضای پیدا و پنهان هستی احاطه همه‌جانبه دارد و از سوی دیگر نشان‌دهنده فرمان‌پذیری و بندگی پناه‌جویی است که وجود، فرمان، قدرت و احاطه آن فرمانروا را پذیرفته است (ویسی، ۱۳۸۵).

جمع‌بندی نگارنده از تعاریف مطرح شده از دین آن است که: دین مجموعه‌ای از برنامه‌های عقیدتی و یک‌سلسله دستورالعمل‌های عملی و اخلاقی است که پیامبران از طرف خداوند برای هدایت بشر به ارمغان آورده‌اند و اعتقاد به این عقاید و اجرای آن‌ها سبب سعادت و خوشبختی انسان در جهان می‌شود.

از نظر علامه طباطبایی، دین اصول علمی، سنن و قوانین عملی و روش ویژه‌ای است که سعادت و صلاح دنیوی انسان را هماهنگ و همراه با کمال اخروی و حیات حقیقی جاودانی او تأمین می‌کند



تعلیم و تربیت در معنای وسیع خود، شامل آموزش‌هایی است که از خانواده شروع می‌گردد و از طریق مدرسه، جامعه، محیط زندگی، مکان‌های مختلف، رسانه‌ها و دانشگاه‌ها به صورت رسمی و غیررسمی ادامه می‌یابد.



تربیت دینی

با توجه به تعریفی که از دین و تربیت ارائه شد، باید گفت که: درباره مفهوم تربیت دینی نیز نظرات متعددی وجود دارد. دائرةالمعارف بین‌المللی تربیت، تربیت دینی را: تدریس منظم و برنامه‌ریزی شده‌ای که هدف آن دستیابی فرد به اعتقاداتی درباره وجود خداوند، حقیقت جهان هستی و زندگی و ارتباط انسان با پروردگارش و دیگر انسان‌هایی که در جامعه با آن‌ها زندگی می‌کند و بلکه با همهٔ آحاد بشر است، تعریف می‌کند (مشایخی‌راد، ۱۳۸۰).

در جای دیگر تربیت دینی؛ فراهم کردن زمینه شکوفایی فطرت توحیدی انسان و تجلی آن در عمل عبادی وی تعریف شده است (ابوطالبی، ۱۳۸۸).

در یک تعریف جامع و مانع براساس دیدگاه اسلامی، تربیت دینی عبارت است از: فرایندی تعاملی بین مرتبی (معلم) و مرتبی (دانش‌آموز) که این فرایند به دنبال زمینه‌سازی جهت تکوین و تعالی فطرت انسان و شکل‌گیری هویت متربیبان براساس نظام معیار اسلامی و هدایت آن‌ها در جهت قرب الهی و کسب شایستگی‌های لازم در همهٔ ابعاد و مراتب حیات طیبه فردی و اجتماعی است (معافی، ۱۳۹۲).

اهمیت و ضرورت تعلیم و تربیت دینی

تعلیم و تربیت در معنای وسیع خود، شامل آموزش‌هایی است که از خانواده شروع می‌گردد و از طریق مدرسه، جامعه، محیط زندگی، مکان‌های مختلف، رسانه‌ها و دانشگاه‌ها به صورت رسمی و غیررسمی ادامه می‌یابد. اما در معنای خاص خود، تعلیم و تربیت شامل فرایندهای یاددهی - یادگیری رسمی در مکان‌هایی با نام دبستان و دبیرستان است که به صورت اجباری و همگانی صورت می‌گیرد (اسمیت، فیلیپ جی، ۱۳۷۷).

تعلیم و تربیت صحیح می‌تواند موجبات رشد فردی را در ابعاد مختلف، رفاه جمعی، پرورش استعدادها، فردی، تحکیم پایه‌های زندگی جمعی، گسترش آرمان‌های مردم‌سالارانه و ایجاد تفاهم میان افراد انسانی فراهم نماید، زیرا تعلیم و تربیت، هم با دنیای اندیشه‌ها و هم با دنیای

فعالیت‌های عملی در ارتباط است و انسان را به اندیشه‌های نیک، گفتار نیک و کردار نیک رهنمود می‌سازد.

درباره اهمیت تعلیم و تربیت همین بس که موجب شکوفا شدن استعدادها و به فعلیت رسیدن قوای آدمی و تحقق گوهر وجود او خواهد بود. تربیت صحیح، شرط لازم برای کمال آدمی است. اگر آدمی زیر نظر مربیان الهی تربیت شود فرشته‌خو می‌گردد، و گاه از فرشتگان هم فراتر می‌رود و گرنه به قهقرا رفته، به مرتبه حیوانی و فروتر از آن تنزل خواهد کرد. پس رشد صحیح فردی و اجتماعی و پرورش استعدادها، آدمی، منوط به تربیت صحیح دینی او است. مربی کسی است که در راستای دین الهی و تقویت ابعاد انگیزشی و گرایشی، رفتار متری را در جهت صحیح هدایت می‌کند و زمینه‌هایی برایش فراهم می‌کند تا استعدادها و قابلیت‌های او شکوفا شود. تحقق تربیت دینی مستلزم شناخت نیازها و ویژگی‌های متربیبان، جامعه و عناصر برنامه می‌باشد، تا برنامه‌های تربیتی مطلوبی مطابق این نیازها در قالب عناصر برنامه درسی، برنامه‌ریزی و طراحی شود.

با توجه به اهمیت دین و دین‌ورزی و نقش دین در زندگی بشر، می‌توان مهم‌ترین و اساسی‌ترین حوزه تربیت را تربیت دینی دانست، زیرا این قلمرو تمام ابعاد وجودی انسان را دربرمی‌گیرد.

نظر به اهمیت تربیت دینی، باید گفت: تربیت صحیح فقط به اصلاح فرد منحصر نمی‌شود، بلکه اصلاح جامعه را نیز در برمی‌گیرد. با نگرش دقیق به ساختار روحی و روانی انسان، ضرورت و اهمیت تربیت صحیح آشکار می‌شود؛ زیرا هر چند در نفس آدمی، گرایش به خیر و شر وجود دارد و به تعبیر قرآن کریم، «فجور» و «تقوا» به او الهام گردیده است، اما گرایش یا آگاهی فطری به خیر و شر کفایت نمی‌کند؛ زیرا کمال و سعادت در پرتو تلاش و تربیت به دست می‌آید. تربیت یا آموزش و پرورش با رشد و تکامل، رابطه تنگاتنگی دارد؛ یعنی رشد و تکامل، باعث ظهور استعدادها می‌شود آموزش و پرورش نیز آن‌ها را تحقق می‌بخشد و جهت می‌دهد (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۹).

اهداف تعلیم و تربیت دینی

هدف، نقطه‌ای است که انسان به طرف آن حرکت می‌کند و جهت زندگی و غایت کوشش‌های خود را روشن سازد. تعیین هدف نخستین و اساسی‌ترین گام در برنامه‌ریزی است. چنانچه این گام اساسی به درستی برداشته شود گام‌های بعدی می‌تواند وضع مطلوب‌تری داشته باشد.

منظور از هدف تعلیم و تربیت، حدّ یادگیری است. بنابراین طرّاحی و تعیین هدف یعنی معین کردن حدّ یادگیری (ملکی، ۱۳۸۲). هدف‌های تعلیم و تربیت بیان‌کننده وضعیت مطلوب دانش‌آموزان در یک فرایند آموزشی هستند که از نظر ماهیت و زمان تحقق، متفاوت می‌باشند (مرتضوی‌زاده، ۱۳۸۸).

محور اصلی در تعلیم و تربیت اسلامی، توجه به هدف غایی، یعنی نهایی‌ترین مقصد در فرایند تعلیم و تربیت است. چنین هدفی روشن‌کننده اصول، فعالیت‌ها و روش‌هایی است که در مراحل بعدی تعیین اهداف و تربیت، تاثیرگذار است و به آن‌ها جهت می‌دهد، که همانا متخلّق شدن دانش‌آموز به اخلاق الهی، به فلاح رسیدن و قرب الی الله است. سایر اهداف تربیت در اسلام نیز که با این «هدف غایی» قابل تفسیر هستند عبارتند از:

۱. تربیت انسان متفکر و متعقل ۲. تربیت انسان مؤمن
۳. تربیت انسان علمی ۴. تربیت انسان خلاق ۵. تربیت انسان مهذب و متقی ۶. تربیت انسان مسؤول و متعهد.

در اسلام، هدف تربیت انسان چندبُعدی است و انسان تک‌بُعدی مطلوب تعلیم و تربیت اسلامی و دینی نیست. از نظر اسلام هر یک از ابعاد وجودی انسان که معطل بماند، مانع رشد و تربیت سالم و کامل ابعاد دیگر خواهد شد لذا توجه به جمیع ابعاد شخصیت مترّبی در طرّاحی آموزشی و برنامه‌ریزی درسی الزامی می‌باشد.

ویژگی‌های تربیت دینی

اسلام در تربیت، چهره ممتازی دارد و برخلاف نظام‌های متداول تربیتی، دارای زیربنای معنوی و جهان‌بینی الهی است. تربیت دینی و اسلامی زمینه‌هدایت، پویایی و شکوفایی عقلانی انسان را فراهم می‌سازد و به تربیت توأمان جسم و عقل می‌پردازد. ممتاز بودن تربیت دینی در اسلام را می‌توان در شش ویژگی مهم زیر جست‌وجو کرد:

۱. الهی بودن

سرچشمه تربیت اسلامی وحی و تعالیم الهی است. قرآن کریم کتاب تربیت و هدایت است و در این تردیدی نیست که هیچ کتابی به پایه قرآن کریم نمی‌رسد و تربیت اسلامی، تربیتی الهی است.

قرآن کریم خود تأکید می‌کند که تربیت و تزکیه پیامبر اسلام (ص) جنبه الهی و منشأ وحیانی دارد: هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ

اسلام هر کسی را مسئول اعمال و رفتار خودش می‌داند و بر این اساس دستور اکیدی بر خودسازی دارد. هیچ‌کس نمی‌تواند مسئولیت اعمال و رفتار خود را بر گردن دیگران بگذارد



يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ. (جمعه/۲)

اوست که در میان مردم اُمّی، رسولی از خود آنان برانگیخت که آیاتش را بر آنان تلاوت کند و آنان را تزکیه نماید و کتاب و حکمت آموزد؛ هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکار بودند.

انسان الهی خداوند را در همه حالات بر کارهای خود ناظر و حاضر می‌بیند و لذا سعی می‌کند از صراط مستقیم منحرف نشود. طبق آیه ۱۴ سوره فجر: «به درستی که خداوند تو را می‌پاید»، انسان الهی به‌طور دائم خود را تحت مراقبت خداوند احساس می‌کند و همچنین آیه ۴ از سوره حدید: «او با شماست هر جا که باشید و خداوند به آنچه می‌کنید بیناست» نیز تأکید دارد، انسان الهی خود را در محضر خدا می‌بیند.

۲. تزکیه و تهذیب

اسلام هر کسی را مسئول اعمال و رفتار خودش می‌داند و بر این اساس دستور اکیدی بر خودسازی دارد. هیچ‌کس نمی‌تواند مسئولیت اعمال و رفتار خود را بر گردن دیگران بگذارد. اسلام می‌خواهد هر کس قبل از اینکه دیگران را هدایت کند به تزکیه و اصلاح خود بپردازد و حرف و عملش یکی شود (حیدری تفرشی و همکاران، ۱۳۸۷).

۳. شمول و جامعیت

مکاتب مختلف تربیتی بشر هر کدام به یک جنبه از ابعاد وجودی انسان توجه نموده و از ابعاد دیگر غفلت کرده‌اند. در یک مکتب فلسفی که احیاناً در مورد ارزش‌شناسی هم نظر می‌دهد، چیزی جز چند اصل یا نظریه در مورد واقعیت جهان و حقیقت انسان و مبحث شناختی و ارزش‌شناسی وجود ندارد. با توجه به اینکه اسلام یک مکتب فلسفی و قرآن یک کتاب فلسفی یا روان‌شناسی یا جامعه‌شناسی به معنای مصطلح نیست، ولی این کتاب مقدس مشحون از اندیشه‌های فلسفی، تربیتی و جامعه‌شناختی است. در قرآن کریم درباره جهان، انسان، خدای مهربان، سرگذشت اقوام و



کلیه تجربه‌ها، مطالعه‌ها، بحث‌ها، فعالیت‌های گروهی و فردی و سایر اعمالی که شاگرد تحت سرپرستی و راهنمایی مدرسه انجام می‌دهد

ملل، فلسفه تاریخ، علل ظهور و سقوط تمدن‌ها، هدایت‌گری پیامبران و انحطاط کافران و مشرکان در اندیشه و عمل سخن رفته است. برنامه‌های تربیتی اسلام شامل همه ابعاد وجودی انسان می‌شود و در آن تمام نیازهای آدمی اعم از جسمی و روحی، دنیوی و اخروی در نظر گرفته شده است.

۴. هدایت‌گری

از ویژگی‌های بازار تعلیم و تربیت اسلامی، نقش هدایت‌گرانه آن است. قرآن کتاب تربیت و هدایت است و درباره این نقش خود می‌فرماید:

ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (بقره/ ۲)

این است کتابی که در (حَقَانِیَّت) آن تردیدی نیست؛ و مایه هدایت تقوا پیشگان است.

«قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ.» (یونس / ۵۷). ای مردم، به یقین، برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست و رهنمود و رحمتی برای گروندگان (به خدا) آمده است.

۵. خردپروری

یکی از ویژگی‌های بارز و برجسته نظام تربیتی اسلام، تأکید فراوانی عنصر عقل و خرد است.

در اسلام تعلیم و تربیت هم عبادت است و هم تفکر، ولی تفکر بالاترین و برترین عبادت به‌شمار آمده است. عباراتی چون «افضل العباده التفکر» یا «لا عباده کالتفکر» یا «کان اکثر عباده ابي ذر التفکر» شاهد بر این معناست. با تفکر، صرف‌نظر از نتایج آن برای آدمی، خود فکر نیز رشد می‌کند و توسعه می‌یابد.

قرآن کریم در بیش از ۱۸ آیه درباره تفکر، ۴۹ آیه در مورد تعقل، و ۱۶ آیه در مورد اولوالالباب سخن گفته است. از نظر اسلام، تعلیم بدون تفکر و تعقل کافی نیست، تفکر بر روی مواد و مطالب فراگرفته شده نیز لازم است (مطهری، ۱۳۸۵).

۶. اولویت حیاتِ اخروی در عین تأمین حیات دنیوی

اسلام، زندگی دنیا را مقدمه‌ای جهت تدارک نیک‌بختی در جهان آخرت می‌داند و در عین حال بر بهره‌وری سالم از زندگی دنیا تأکید دارد.

در اسلام، اصل، زندگی اخروی است اما ترک دنیا، گوشه‌گیری و انزوا هم مردود است؛ همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى؛ یعنی در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است» (حیدری تفرشی و همکاران، ۱۳۸۷).

مؤلفه‌های تربیت دینی

مؤلفه در لغت به معنای سازه، سازنده و تشکیل‌دهنده است و در اصطلاح تعدادی امور مشابه تحت یک سازه را مؤلفه می‌نامند (حق‌شناس و همکاران، ۱۳۸۳).

به نظر می‌رسد با توجه به پیچیدگی‌های زندگی در عصر حاضر باید به‌نوعی برنامه درسی را تلطیف نمود و روح معنویت را در آن دمید تا از حالت خشک و بی‌روحی خارج شود. با توجه به تعریف مؤلفه، اکنون این سؤال مطرح است که سازه‌ها و عناصر برنامه درسی‌ای که بتواند علاوه بر ارائه مطالب مورد نیاز علمی به دانش‌آموزان، مهارت‌های زندگی کردن در جهان پیچیده امروز را نیز به آن‌ها یاد بدهد و آرامش درونی و قلبی را در آن‌ها ایجاد کند، کدامند؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت: سازه‌ها و عناصر برنامه درسی تربیت دینی به شرح زیر است:

۱. تفکر و تعقل؛ ۲. معرفت و بصیرت؛ ۳. کرامت انسانی؛ ۴. عزت‌نفس؛ ۵. محبت و مهرورزی؛ ۶. اعتدال؛ ۷. صبر و بردباری؛ ۸. حریت و آزادگی؛ ۹. عمل؛ ۱۰. مرتب‌محوری و توجه به گرایش‌های فطری آنان؛ ۱۱. انگیزه؛ ۱۲. اراده و اختیار؛ ۱۳. دانایی؛ ۱۴. معرفت؛ ۱۵. احساس؛ ۱۵. توانایی.

با توجه به مقتضیات زمان و نیازهای جامعه ما «چگونگی پرورش نسل جدید و تربیت و تأمین نیروی انسانی توانمند و واجد شرایط» یکی از مهم‌ترین اصول و سیاست‌های کلی ایجاد تحوّل در نظام آموزش و پرورش است و پیشرفت کشور در همه عرصه‌ها به آن وابسته است. اگر برنامه‌های تربیت دینی نظام آموزش و پرورش بتواند از نظر مؤلفه‌های مزبور با نیازهای فراگیران، به‌ویژه در دوره متوسطه، منطبق شود و با نوآوری همراه گردد گام مؤثری برای جذب نسل نوجوان و جوان جامعه به دین‌جویی و دینداری برداشته شده است. لذا ضروری است مسئولان، برنامه‌ریزان و مؤلفان آموزش و پرورش به منظور بهینه‌سازی تربیت دینی دانش‌آموزان و رفع آسیب‌های آن از سطح جامعه به آن‌ها



در چارچوب نظام رسمی آموزش، برنامه درسی یکی از ارکان مهم تربیت به‌ویژه تربیت دینی و نیز هماهنگ کننده تمام عوامل دخیل در آن است



مشخص آنان فراهم سازد تا زمینه تربیت و رشد همه‌جانبه آنان مهیا گردد. به عبارت دیگر، برنامه درسی در یک نگاه، هسته مرکزی تربیت را شکل می‌دهد و مؤثرترین وسیله جهت هدایت رشد همه‌جانبه افراد و تغییر در نگرش‌ها و رفتارهاست.

در چارچوب نظام رسمی آموزش، برنامه درسی یکی از ارکان مهم تربیت به‌ویژه تربیت دینی و نیز هماهنگ کننده تمام عوامل دخیل در آن است. این برنامه به‌منزله قلب نظام تعلیم و تربیت و ابزاری جهت تحقق هدف‌های آموزش و پرورش، از نقش و جایگاه مهمی در تحقق اهداف تربیت دینی برخوردار است (زهرا وقاری زمهریر و همکاران، ۱۳۹۵).

تعاریف تربیت دینی و برنامه درسی، بیانگر آن است که بین آموزه‌های دینی از یک‌سو و هدف‌های برنامه‌های درسی نظام تربیتی از سوی دیگر روابط آشکاری وجود دارد. از آنجا که برنامه درسی بیانگر هدف‌ها و آرمان‌های تربیتی و نیز منعکس کننده ارزش‌ها، اعتقادات و فرهنگ یک کشور است، بدین منظور، با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و اسلامی، می‌توان به شیوه‌ای مؤثر در به فعلیت رساندن استعداد‌های معنوی انسان‌ها تلاش نمود تا ره آورد این نظام

توجه ویژه‌ای نمایند.

آموزش و پرورشی در تربیت دینی موفق است که ضمن توجه به مؤلفه‌های فوق در فرایند تعلیم و تربیت، در جهت روزآمدی و کارآمد ساختن آن تلاش کند و به تعمیق و معنادار کردن یادگیری بپردازد.

رابطه برنامه درسی و تربیت دینی

تعلیم و تربیت، و به تبع آن برنامه‌های درسی، برای ایجاد تغییر و تحول در افراد به کار گرفته می‌شوند. برنامه درسی وسیله‌ای برای هدایت گام‌به‌گام انسان به سوی زندگی متعالی و کمال نهایی است.

قبل از ورود به بحث رابطه تربیت دینی و برنامه‌های درسی لازم است به برخی از تعاریف ارائه شده در مورد مفهوم برنامه درسی اشاره شود. صاحب‌نظران حوزه برنامه درسی تعاریف مختلفی از آن ارائه کرده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنم:

۱. برخورد فراگیرنده با فرصت‌های متعددی که تحت هدایت و راهنمایی مدرسه طراحی می‌شود (آل‌آقا و تیرگی، ۱۳۸۱).
۲. پیش‌بینی و تهیه فرصت‌های یادگیری برای جمعیتی مشخص به منظور نیل به آرمان‌ها و اهداف آموزش و پرورش (نقی پورظهیر، ۱۳۸۰).

۳. محتوا و جریان رسمی و غیررسمی که فراگیر، از طریق آن، معلومات و روش فهمیدن را تحت نظارت مدرسه کسب می‌کند، مهارت‌ها را فرا می‌گیرد و نگرش خود، ارزش‌گذاری و ارزش‌ها را تغییر می‌دهد (دال، به نقل از ملکی، ۱۳۷۸).

۴. تجربیات آموختنی و نتایج موردنظر به‌صورت طرح‌ریزی و هدایت شده که از طریق بازسازی منطقی معرفت و تجربه، به‌منظور رشد دایمی یادگیرنده در زمینه شخصی و اجتماعی، تحت نظارت مدرسه تدوین شده است (تائر و تائر، به نقل از ملکی، ۱۳۷۸).

۵. کلیه تجربه‌ها، مطالعه‌ها، بحث‌ها، فعالیت‌های گروهی و فردی و سایر اعمالی که شاگرد تحت سرپرستی و راهنمایی مدرسه انجام می‌دهد (شریعتمداری، ۱۳۶۵).

۶. به‌محتوای رسمی و غیررسمی، فرایند محتوا، آموزش‌های آشکار و پنهان اطلاق می‌گردد که به‌وسیله آن‌ها فراگیر تحت هدایت مؤسسه آموزشی، دانش لازم را به‌دست می‌آورد، مهارت‌ها را کسب می‌کند و گرایش‌ها، قدرشناسی‌ها و ارزش‌ها را در خود تغییر می‌دهد (ملکی، ۱۳۸۳).

تعاریف فوق نشان می‌دهد که برنامه درسی در پی آن است که شرایط، موقعیت و وسایل مورد احتیاج را در حیطه تعلیم و تربیت برای فراگیران با شرایط فعلی و نیازهای

تحصیلی به ویژه دوره متوسطه قرار بگیرد و ابزاری مهم در فرایند آموزش و یادگیری باشد. متأسفانه کتاب درسی به اندازه اهمیت و نقش آن در فرایند یاددهی - یادگیری مورد توجه قرار نگرفته است.

نوریان به نقل از گود می گوید: به نظر می رسد معلم بیشترین وقت کلاس را به کار با کتاب درسی اختصاص می دهد و به ندرت مواد درسی را تجزیه و تحلیل می کند، در حالی که این کار از اهمیت خاصی برخوردار است (نوریان، ۱۳۸۸). بنابراین ضرورت دارد مواد آموزش به صورت مداوم، بازنگری شود و با توجه به نیازهای دانش آموزان تغییر یابد.

تعریف آموزش دوره متوسطه و اهمیت و ضرورت آن

براساس مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی، تحول ساختار جدید نظام آموزشی از سال ۱۳۹۱ آغاز و هر سال دو پایه تحصیلی جدید براساس جدول زیر مستقر شد. این ساختار به دو دوره شش ساله آموزش ابتدایی و آموزش متوسطه که مجموعاً ۱۲ پایه تحصیلی است تقسیم بندی می شود. لازم به ذکر است که در این راستا تحول محتوایی از سال تحصیلی ۱۳۹۰ با تغییر اساسی کتب پایه اول آغاز شد.

دوره متوسطه دوره ای است که در آن دانش آموزان

گروه سنی دوازده تا هفده یا هجده ساله تحصیل می کنند. دانش آموزان در این دوره به دلیل تنوع برنامه ها و تعدد رشته های تحصیلی، فرصت انتخاب دارند. بدون شک دوره متوسطه در نظام آموزش و پرورش، از اساسی ترین و مهم ترین دوره های تحصیلی است، زیرا در همین دوره است که قسمت اعظم استعداد های ویژه نوجوان و جوان بروز پیدا می کند، قدرت یادگیری او به حد اعلای خود می رسد، کنجکاو وی جهت می یابد و مسائل جدید زندگی نظیر انتخاب رشته، انتخاب حرفه و شغل، اداره خانواده و گرایش به اعتقادات مذهبی و خدانشناسی، ذهن او را به خود مشغول می دارد و نیز به مرحله درک ارزش های اجتماعی، اقتصادی و معنوی می رسد. از این رو این دوره در نظام های تعلیم و تربیت کشورهای مختلف

آموزشی، فارغ التحصیلانی واجد صفات اخلاقی باشد. در خصوص رابطه تربیت دینی و برنامه های درسی جان میلر، نویسنده کتاب آموزش و پرورش و روح، نیز چنین بیان می کند: از طریق رفتن به سوی یک برنامه درسی معنوی و روحانی می توانیم معلمان با روح، دانش آموزان با روح، مدارس با روح، تغییرات جاودانه با روح همراه با یک جامعه شاد و کارآمد داشته باشیم (میلر، جان، ۱۳۸۳).

تعریف کتاب درسی و اهمیت و ضرورت آن

بعد از برنامه ریزی، تولید مواد آموزشی آغاز می شود. کتاب درسی جلوه برنامه درسی است (ملکی، ۱۳۸۲). به مجموعه مطالبی که براساس برنامه درسی و برای رسیدن به اهداف آموزشی و تربیتی خاصی تألیف می شود و مهم ترین وسیله آموزشی معلم به شمار می رود کتاب درسی گویند. اهمیت و ضرورت تهیه کتاب های درسی به صورت علمی و منطبق با تربیت دینی بر کسی پوشیده نیست و عامل اصلی در تحقق اهداف آموزش و پرورش به شمار می رود.

(آل تیجی، ۱۹۹۱) معتقد است: کتاب های درسی، در اکثر ساعات روزانه توسط معلمان و شاگردان به کار گرفته می شود و گاهی اوقات به عنوان تمام برنامه درسی مورد تأکید معلم قرار می گیرد. به همین دلیل این مواد آموزشی می تواند رواج دهنده ارزش های دینی در تمام سطوح



دوره تحصیلی	پایه	سال تحصیلی					
		۹۷-۹۸	۹۶-۹۷	۹۵-۹۶	۹۴-۹۵	۹۳-۹۴	۹۲-۹۳
ابتدایی	سه ساله اول						
							×
						×	
					×		
متوسطه اول	سه ساله دوم				×		
							×
متوسطه						×	
					×		
				×			
			×				
							×

جهان نیز از اهمیت زیادی برخوردار و منبع اصلی تولید نیروهای انسانی نیمه‌ماهر است. دوره متوسطه، از لحاظ مبانی فلسفی، زیستی، روانی و اجتماعی دوره بسیار مهم و دوره‌ای است که آموزش عمومی را به آموزش عالی می‌پیوندد و گروه کثیری را برای ورود به جامعه و بازار کار مهیا می‌سازد. از این رو هر نوع نارسایی و خلل در این دوره مستقیماً بر عملکرد و کیفیت هر دو حلقه آموزش، عمومی (نیمه‌تخصصی) و عالی (تخصصی) تأثیر بسزایی خواهد داشت (صافی، ۱۳۸۴).

آسیب‌شناسی کتاب درسی از منظر تربیت دینی

با توجه به تبیین اهمیت و ضرورت کتاب‌های درسی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، در تربیت دینی نیز می‌توان از این ابزار مهم استفاده‌های زیاد و بهینه‌ای به عمل آورد. در این مسیر آسیب‌هایی این ابزار آموزشی را تهدید می‌کند و شناسایی آن‌ها موضوعی است که هرگونه تجویزی برای آن به ژرف‌نگری و اندیشه‌ای جامع با احاطه بر مبانی اساسی تربیت برگرفته از فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، که در سند برنامه درسی ملی نیز به آن پرداخته شده، نیازمند است.

مبانی اساسی تربیت، برگرفته از فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران، که ضرورت دارد مسئولان، مدیران و سیاست‌گذاران حوزه برنامه‌ریزی درسی به آن‌ها توجهی ویژه داشته باشند عبارت است از:

۱. مبانی هستی‌شناختی: مهم‌ترین گزاره‌های توضیحی - تبیینی درباره حقیقت وجود (خدا)، احکام کلی آن و واقعیات جهان است که در مباحث جهان‌بینی اسلامی یا حوزه دانش و فلسفه اسلامی به‌طور مدلل و مبرهن مطرح یا مفروض شده است.

۲. مبانی انسان‌شناختی: آن دسته از گزاره‌های توصیفی تبیینی و مدلل درباره واقعیت وجود انسان است که از تعالیم اسلامی، معارف اصیل اسلامی یا مباحث مربوط به تربیت انسان در فلسفه اسلامی استخراج شده و باید آن‌ها را به لحاظ نقش‌محوری تبیین کرد و ترسیم سیمای کلی انسان در هر نظریه فلسفی تربیت را باید سنگ بنای اصلی هرگونه توصیف و تبیینی از فلسفه تربیت را بویکرد اسلامی دانست.

۳. مبانی معرفت‌شناختی: مهم‌ترین گزاره‌های توصیفی - تبیینی درباره شناخت آدمی و حدود و ثغور آن است که بنابر سنت متعارف در مباحث فلسفی معاصر و با توجه به

اهمیت زیاد عرصه معرفت‌شناسی در تبیین فلسفه تربیت از مبانی عام انسان‌شناختی متمایز گشته است.

۴. مبانی ارزش‌شناختی: گزاره‌هایی درباره منابع، ویژگی‌ها و مصادیق ارزش‌ها در ارتباط با چهار عرصه خود، خدا، خلق و خلقت است.

۵. مبانی دین‌شناختی: این مبانی به مباحثی درباره شأن و جایگاه دین اسلام در مقاصد تربیتی آن در ارتباط با برنامه درسی اشاره دارد که در حیطه دانش فلسفی یا بعضاً در حوزه مباحث کلام جدید قرار می‌گیرند. ضرورت بیان این گزاره‌ها به دلیل آن است که آموزه‌های اسلام ناب‌محمدی - به‌عنوان دین حق - در همه اجزا و عناصر برنامه درسی، از جمله مقصد نهایی تربیت انسان و طرز تلقی نسبت به متربی، محتوای برنامه درسی، روش‌های یاددهی - یادگیری، جایگاه معلم و مربی و شیوه ارزشیابی کاربرد دارد.

۶. مبانی روان‌شناختی: این مبانی عمدتاً برگرفته از گزارش تلفیق نتایج مطالعات نظری سند ملی آموزش و پرورش است و به طرح مهم‌ترین گزاره‌های کاربردی روان‌شناسی در برنامه‌ریزی درسی اشاره دارد.

۷. مبانی جامعه‌شناختی: این دسته از مبانی، عمدتاً از جامعه‌شناختی مطالعات نظری سند ملی آموزش و پرورش گرفته شده است که به طرح گزاره‌هایی در ارتباط با کاربرد یافته‌های جامعه‌شناسی در برنامه‌ریزی درسی اشاره دارد (برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱).

با توجه به مطالعات نگارنده و ارتباط مستقیم با حوزه تهیه و تألیف کتاب‌های درسی، ذیل برخی از آسیب‌های عدم موفقیت برنامه‌های درسی در تربیت دینی دانش‌آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی به‌ویژه دوره متوسطه بیان می‌شود:

- عدم حضور برنامه‌ریزان، صاحب‌نظران، کارشناسان متخصص ساحت تربیت دینی و دبیران مجرب آن حوزه، در شورای برنامه‌ریزی و تیم تألیف کتاب‌های درسی؛
- عدم اجرای کامل نیازسنجی در تشخیص سطوح نیازهای تربیت دینی فراگیران؛
- عدم توجه کافی و لازم به اصول و قواعد هدف‌نویسی در

هرگونه تجویزی برای شناسایی آسیب‌های کتاب‌های درسی ژرف‌نگری و اندیشه‌ای جامع با احاطه بر مبانی اساسی تربیت برگرفته از فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، که در سند برنامه درسی ملی نیز به آن پرداخته شده، نیازمند است.

موضوع نظام آموزش و پرورش و تحول بنیادین آن یکی از مسائل و مباحث مهمی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاکنون مورد تأکید بنیانگذار کبیر انقلاب و مقام معظم رهبری بوده است



رفتاری (اجرای مناسک، آداب و عبادات)، جنبه‌های معرفتی نیز در آن لحاظ شده باشد و منشأ آثار اجتماعی و فرهنگی در دانش‌آموزان باشد؛

- پرهیز از کمیّت‌گرایی و شکل نمره‌دهی در نظام ارزشیابی برنامه‌های تربیت دینی و توجه به فرایندمداری و کیفیت، جهت نهادینه شدن اعتقادات دینی و باورهای ارزشی فراگیران؛

- به‌کارگیری روش‌های معرفی الگو، گردش‌های علمی و مشاهده عینی، نمایش، قصه‌گویی، مناظره، مقایسه، تمثیل و... در ارائه محتوای برنامه‌های درسی تربیت دینی؛

- روشن بودن مفاهیم دینی و قابل تفسیر نبودن آن‌ها برای دانش‌آموزان؛

- جایگزینی چگونه‌آموزی به جای چه‌آموزی در فرایند یاددهی - یادگیری.

- پرهیز از هرگونه فشار به دانش‌آموزان در مورد انجام مناسک دینی؛

- پرهیز از جذب معلمان و مربیان ضعیف در بخش تربیت دینی.

راهکارهای تحقق تربیت دینی از طریق برنامه‌های درسی با عنایت به اسناد تحولی

تحقق تربیت دینی از طریق برنامه‌های نظام آموزش و پرورش مستلزم تبعیّت از الگوی هدف‌گذاری برنامه درسی ملی است که در آن پنج عنصر تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق، به‌عنوان مهم‌ترین شایستگی‌های پایه و مشترک برنامه‌های درسی در دوره‌های گوناگون تحصیلی، در چهار عرصه ارتباط با خود، خدا، خلق و خلقت به‌صورت به‌هم پیوسته با محوریت ارتباط با خدا تبیین و تدوین می‌شوند.

نتیجه‌گیری

موضوع نظام آموزش و پرورش و تحول بنیادین آن یکی از مسائل و مباحث مهمی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاکنون مورد تأکید بنیانگذار کبیر انقلاب و مقام معظم رهبری بوده است. تحول بنیادین آموزش و پرورش برنامه‌ای عمیق و ریشه‌ای است که برای رساندن دانش‌آموزان به حیات طیبه و رشد و شکوفایی استعدادهای فطری آن‌ها در تمامی ابعاد زندگی، مفاهیم نظری، فرایندها، کارکردها و رویکردهای نظام آموزشی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی تدوین شده است. با توجه به اینکه محتوای آموزشی هر کشور منطبق با نیازها،

حوزه تربیت دینی؛

- عدم رعایت کامل اصول تدوین محتوای مواد آموزشی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و اصول مطرح شده از سوی صاحب نظران تعلیم و تربیت در مورد نحوه انتخاب و ارائه محتوای برنامه ریزی درسی؛

- متناسب نبودن اهداف با روش تربیت دینی؛

- عدم توجه به فرایندمحوری در نظام ارزشیابی و تبعیّت از نظام سنتی و پاسخ‌محوری؛

- عدم توجه به جنبه معرفتی تربیت دینی و پرداختن به جنبه‌های رفتاری آن؛

- عدم توجه به مؤلفه‌های تربیت دینی به ویژه اراده و اختیار و حاکمیّت دیدگاه‌ها و باورهای سنتی نسبت به ماهیّت دانش آموز و اجباری شدن تربیت دینی.

راهکارهای پیشگیری از آسیب‌های تربیت دینی

- برنامه‌ریزی در تمامی ساحت‌های تربیتی نیازمند صاحب‌نظران و کارشناسانی متخصص در هر موضوع درسی است. این فرایند در حوزه تربیت دینی نیز علاوه بر متخصصین موضوعی به افراد صاحب‌نظر در آموزش معارف دینی نیازمند است تا با هم‌فکری و تبادل نظر، اصول و روش‌های مهندسی شده و تأثیرگذاری را در برنامه‌ریزی و آموزش مسائل دینی ارائه نمایند؛

- اعتبارسنجی دقیق در تدوین برنامه‌ها و کتاب‌های درسی، است. با توجه به اینکه شناخت نیازهای تربیت دینی مبنا و اساس تعیین اهداف است، اجرای کامل و صحیح این فرایند، اهداف محتوای آموزش تربیت دینی را محقق خواهد کرد؛

- توجه به اصول و قواعد اهداف تربیت دینی در برنامه‌های درسی، یعنی واضح بودن، قابل اندازه‌گیری و در دسترس بودن، واقع‌گرایانه بودن و در نظر گرفتن زمان‌بندی تحقق آن، منسجم بودن سطوح اهداف، متناسب بودن اهداف با نیازها، علایق و تفاوت‌های فردی یادگیرندگان هر دوره تحصیلی و...؛

- تدوین محتوای برنامه‌های تربیت دینی‌ای که علاوه بر نمود

الزامات آموزش و پرورش، آداب و رسوم، ارزش‌ها و نگرش‌های آن جامعه تهیه و تدوین می‌شود لذا آموزش و پرورش کشور ما نیز برای برنامه‌ریزی در حوزه تربیت دینی علاوه بر نیاز به مربیان و معلمان کارآمد، الگو و برخوردار از کرامت و شایستگی، به برنامه‌ریزان و مؤلفانی آشنا به رویکردها، اصول، مبانی و دیدگاه‌های روزآمد در برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و هم‌چنین آگاه در حوزه دین و تربیت دینی نیازمند است تا محتوایی تولید شود که:

- مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی - تربیتی و آموزه‌های دینی و قرآنی باشد و زمینه‌های شکوفایی فطرت الهی، رشد عقلی و فعلیت یافتن عناصر و عرصه‌ها را فراهم آورد.

- در برگیرنده مفاهیم، مهارت‌های اساسی و ایده‌های کلیدی مبتنی بر شایستگی‌های مورد انتظار از دانش‌آموز باشد؛

- برگرفته از یافته‌های علمی معتبر بشری باشد؛

- متناسب با نیازهای حال و آینده، علایق و ویژگی‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان، انتظارات جامعه اسلامی و زمان آموزش باشد؛

- زمینه‌ساز تقویت و پایداری هویت ملی در دانش‌آموزان باشد؛

- ضمن تقویت بنیان خانواده و تحکیم مناسبات خانوادگی، زمینه کسب شایستگی‌ها و مهارت‌های لازم را برای تشکیل و مدیریت خانواده مبتنی بر ارزش‌ها و معارف الهی و تعمیق آداب و سبک زندگی اسلامی ایرانی در دانش‌آموزان فراهم کند؛

- پاسخگوی نیازهای گوناگون دانش‌آموزان و جامعه در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی در کلیه ساحت‌های تعلیم و تربیت باشد.

- ضمن تأکید بر ویژگی‌های مشترک به تفاوت‌های ناشی از محیط زندگی، جنسیتی و فردی دانش‌آموزان نیز توجه کرده و از انعطاف لازم برخوردار باشد؛

- به رعایت تعادل و پرهیز از افراط و تفریط در تمامی ساحت‌های تعلیم و تربیت و عناصر برنامه‌های درسی پایبند باشد؛

- زمینه‌های استمرار و معنادار شدن یادگیری و پیوستگی تجارب یادگیری را در زندگی دانش‌آموزان تبیین کند؛

- زمینه مشارکت و تعامل مؤثر معلمان، دانش‌آموزان، خانواده‌ها و سایر گروه‌های ذینفع و ذریب را در طراحی، تولید، اجرا و ارزش‌یابی فراهم نماید (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱ صفحات ۱۴-۸).

منابع

۱. آل‌آقا، فریده، تیرگی، هدایت؛ مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، انتشارات سنجش، تهران، ۱۳۸۱.
۲. ابوطالبی، مهدی؛ تربیت دینی از دیدگاه امام علی(ع)، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۸.
۳. اسمیت، فلیپ جی؛ فلسفه آموزش و پرورش، مترجم سعید بهشتی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۷.
۴. برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱
۵. تقی‌پور ظهیر، علی؛ مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۸۰.
۶. جرّ، خلیل؛ المعجم العربی الحدیث، فرهنگ عربی - فارسی، جلد اول، مترجم: طبیبیان، سیدحمید، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۲.
۷. حق‌شناس، علیمحمد و همکاران؛ فرهنگ معاصر هزاره (انگلیسی - فارسی)، نشر فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۳.
۸. حیدری تفرشی، غلامحسین و یوسفی سعیدآبادی رضا؛ تربیت اسلامی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد فراهان، ۱۳۸۷.
۹. روشندل، علی‌اکبر؛ تحلیل محتوای کتاب‌های درسی از منظر تربیت دینی، انتشارات آوا، تهران، ۱۳۹۶.
۱۰. شریعتمداری، علی؛ جامعه و تعلیم و تربیت، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۵.
۱۱. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر؛ مبانی روان‌شناختی تربیت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹.
۱۲. صافی، احمد؛ آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۴.
۱۳. طباطبایی، سیدمحمد حسین؛ تفسیر المیزان، ج ۲ و ۲۰، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۳۳.
۱۴. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.
۱۵. مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۶. مشایخی‌راد، شهاب‌الدین؛ تعلیم و تربیت دینی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۰.
۱۷. معافی، محمود؛ تبیین مبانی نظری تربیت دینی براساس سند تحول بنیادین، مجله رشد جوانه، ۱۳۹۲.
۱۸. مرتضوی‌زاده، سیدحشمت‌الله؛ راهنمای تدریس، انتشارات عابد، تهران، ۱۳۸۸.
۱۹. ملکی، حسن؛ دین و برنامه درسی، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، تهران، ۱۳۸۲.
۲۰. ملکی، حسن؛ برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل)، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۷۸.
۲۱. مطهری، مرتضی؛ تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۵.
۲۲. میلر، جان؛ آموزش و پرورش و روح، مترجم نادرقلی قورچیان، انتشارات فراشناختی اندیشه، تهران، ۱۳۸۳.
۲۳. نوریان، محمد؛ راهنمای عملی تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، انتشارات شورا، تهران، ۱۳۸۸.
۲۴. وفاری زهمیر، زهرا همکاران؛ مجله پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت شماره ۲ سال ششم، تبیین برنامه درسی تربیت دینی مبتنی بر رویکرد تکلیف‌گرا، تهران، ۱۳۹۵.
۲۵. ویسی، زاهد؛ نشریه زمانه، شماره ۶۹ نظام تربیت دینی، ۱۳۹۰.
۲۶. ویسی، زاهد؛ فصلنامه کتاب نقد، ش ۴، پاییز ۱۳۸۵.

